



اقتصاد و نقش اقتصاددانان در

سیاستگذاری ها¹

نویسندگان: ساگار شاه و سوزان استید

مقدمه مترجم

در این گزارش کوتاه ابتدا رشته اقتصاد به طور خلاصه معرفی و سپس به توصیف ارتباط بین «اقتصاد خرد» و «اقتصاد کلان» و اینکه نخبگان این دو تخصص چه تاثیری در سیاستگذاری دولت ها دارند پرداخته می شود. بخش عمده ای از گزارش به بررسی دیدگاه اقتصاددانان خرد نسبت به بازار و بهره گیری از اقتصاد خرد در فرآیند سیاستگذاری اختصاص دارد. سپس نگارندگان به چگونگی استفاده از تحلیل های اقتصادی در دستگاه های دولتی در هنگام وضع مقررات جدید به منظور حل مشکلات مختلف و رویارویی با بحران های اقتصادی می پردازند. ایشان پس از تشریح نقش «تحلیل های هزینه و فایده» در فرآیند سیاستگذاری، به آسیب شناسی این گونه تحلیل ها می پردازند. در پایان نتیجه گرفته می شود که دیدگاه صرفا اقتصادی برای بررسی گزینه های مختلف در سیاستگذاری ها مشکل آفرین و ناسازگار با روح مردم سالاری است و راه را برای زیاده خواهی های صاحبان ثروت و قدرت در جامعه باز می کند. به لحاظ جهانی بودن آموزش های رشته اقتصاد و تشابه نظام مدیریت اقتصادی کشورها، این گزارش که توسط محققین انگلیسی و برای مخاطبان انگلیسی نوشته شده است، برای کلیه علاقمندان به مباحث اقتصادی، صرفنظر از کشور، حاوی نکات قابل توجهی است.

رشته اقتصاد

به زبان ساده، رشته اقتصاد مطالعه محدودیت ها و انتخاب ها را در برمی گیرد. ما در دنیایی زندگی می کنیم که از نظر منابع محدود است اما انسان ها خواسته ها و نیازهای نامحدودی دارند. و این مسئله بزرگی است. دغدغه رشته اقتصاد اساسا کمک به ایجاد سامانه هایی است که

¹ این متن، ترجمه تلفیقی از دو متن زیر است:

- Sagar Shah. 2013. *Economics in policy-making: An overview of economics*.
- Susan Steed. 2013. *Economics in policy-making: How economics is used in policy-making*
Published by nef (the new economics foundation), April 2013 as part of the MSEProject to build the socio-economic capacity of marine NGOs. www.neweconomics.org Tel: 020 7820 6300 Email: chris.williams@neweconomics.org Registered charity number 1055254.

جوامع می کوشند تا از آنها برای حل این مسئله استفاده کنند. استفاده بهینه از منابع و انتخاب بهترین روش ها برای توزیع منابع محدود برای تامین نیازها و خواسته های انسان ها از وظایف این سامانه ها محسوب می شود.

رشته اقتصاد، رشته ای در حال تحول

در حال حاضر، عمدتاً به لحاظ بحران های مالی مزمین دنیا، رشته اقتصاد در حال بازبینی خود و تغییر و تحول اساسی است. واقعیت این است که تقریباً تمامی نخبگان اقتصادی در پیش بینی رخداد و عمق بحران کنونی عاجز بودند. ناتوانی اقتصاددانان در پیش بینی زمان و ماهیت ساختاری این بحران و رکودی که به دنبال داشته است سوالاتی جدی در مورد رشته اقتصاد، و مفروضات و آموزه های کنونی آن، مطرح ساخته است.

علاوه بر این ناتوانی سوال برانگیز، رشته اقتصاد با دو مسئله دیگر نیز دست به گریبان است: یکی اینکه اقتصاددانان تا کنون چیزی به نام «محدودیت منابع طبیعی» را کاملاً نادیده گرفته اند. اما کاهش فاحش بسیاری از این منابع و همزمان بروز مسائلی چون تغییرات آب و هوایی و نابودی زیستگاه های طبیعی (که همگی ناشی از تلاش جوامع در پیروی از نظریه رشد در رشته اقتصاد است)² عقلانیت سامانه های اقتصادی کنونی را زیر سوال برده و نتیجتاً باور به ادامه رشد به صورتی که اقتصاد دانان تا کنون توصیه می کرده اند را غیر ممکن ساخته است. جدیت مسایل مرتبط با طبیعت و محیط زیست به حدی است که مباحث مرتبط با آنها در قلب مباحث اقتصادی کشورها قرار گرفته است. لذا تعجب آور نیست که این موضوع، چالشی اساسی و انکارناپذیر در برابر درک متداول اندیشمندان اقتصادی جهان به وجود آورده است.

بحران دیگری که درک کنونی رشته اقتصاد با آن روبروست موضوع عدالت اجتماعی است. ضعف و سیر نزولی عدالت اجتماعی در کشورها موضوع جدیدی نیست و میراث دهه های

² برای اطلاع بیشتر در مورد بی پایه بودن نظریه رشد به مقالات «رشد پایدار: نظریه ای ناممکن» و «رشد، وام و بانک جهانی» نگاه کنید. مترجم

پیشین است اما امروزه به صورت تهدیدی برای اقتصاد جوامع و ثبات سیاسی آنها محسوب می شود.

این سه چالش اساسی، توسط سیاستگذاران و نخبگان رشته اقتصاد در جراید صاحب نام و با نفوذی چون روزنامه فاینشیل تایمز^۳، در محافل نخبگانی جهان مثل داووس^۴، در میان برندگان جایزه نوبل در اقتصاد و نیز در صندوق بین المللی پول^۵ مورد بحث قرار گرفته است. بسیاری از مباحث این گفتگوهای گسترده به تغییر مسیری کلی در رشته اقتصاد نظر دارد، هرچند که در این مباحث، مثل سایر مباحث اینچنینی، فرآیند گفتگو طولانی و نتیجه نهایی آن در حال حاضر مبهم است.

گزارش زیر نیز در چارچوب انتقادی این فضای ذهنی، که واقعیت های امروز دنیا در رشته اقتصاد به وجود آورده است تدوین شده و می کوشد تا نکات کلیدی رشته اقتصاد و نقش اقتصاددانان و تحلیل های آنان در سیاستگذاری ها را به زبان ساده برای استفاده خوانندگان غیر متخصص معرفی کند.

www.eabbassi.ir

اقتصاد خرد و اقتصاد کلان

رشته اقتصاد عموماً به دو بخش تقسیم می شود: اقتصاد خرد و اقتصاد کلان.

اقتصاد خرد، مطالعه اقتصاد خانوار، شرکت ها و بازارها را در بر می گیرد. اقتصاددانان این حوزه، چگونگی عملکرد خانوارها و شرکت ها در تولید و مصرف و اینکه این تصمیمات چه تاثیری بر عرضه و تقاضای کالاها و خدمات بخصوصی در بازار خواهند داشت را مطالعه می کنند. تاثیر این تعاملات اقتصادی بر قیمت ها و کمیت کالاها و خدمات نیز در زمره موضوعاتی است که اقتصاددانان خرد به آن توجه می کنند.

از منظر سیاستگذاری نیز، اقتصاددانان خرد اطلاعاتی را فراروی سیاستگذاران قرار می دهند. این اطلاعات شامل چگونگی عملکرد بازارها و خدمات عمومی است. این اقتصاددانان به دولت

³ *Financial Times*

⁴ World Economic Forum / Davos

⁵ International Monetary Fund / IMF

کمک می کنند تا در موردِ ضرورتِ دخالتِ در اقتصاد و انتخابِ نوعِ دخالتِ لازم (مثل وضع مقررات جدید، مالیات ها و پرداخت یارانه ها) تصمیم گیری کنند.

برخلاف اقتصاد خرد، تمرکز اقتصاد کلان بر درک کل اقتصاد، یعنی اقتصاد ملی و منطقه ای، است. اقتصاددانانی که در این حوزه مطالعه می کنند بیشتر به دغدغه های کلان اقتصادی می اندیشند، مثل میزان بیکاری، تراز تجاری (اختلاف بین ارزش صادرات و واردات یک کشور)، میزان تولیدات داخلی (که از طریق شاخصی به نام «تولید ناخالص داخلی» سنجیده می شود)، نرخ رشد اقتصادی کشور و نیز نرخ رشد قیمت ها که به آن تورم می گویند. آنچه تا کنون در میان اقتصاددانان کلان متداول بوده کمک به اتخاذ سیاست هایی است که رشد اقتصادی را مستمر نگاه دارد ضمن اینکه نرخ بیکاری و نرخ تورم را به حداقل برساند. البته همزمان، این نخبگان می کوشند که در تدابیر خود دغدغه هایی چون میزان هزینه کرد اعتبارات دولتی برای خدمات عمومی و تراز تجاری را نیز در نظر داشته باشند. مشکل اینجاست که این اهداف غالباً در تضادند.

www.eabbassi.ir

راهکارهای سیاستگذاری برای رسیدن به اهداف اقتصاد کلان شامل موارد زیر است:

□ سیاست های مالی⁶

این دسته از سیاست ها عمدتاً به انواع مالیات ها و اینکه درآمدهای مالیاتی به چه میزان و در چه راستایی هزینه شود ارتباط دارد.

□ سیاست های پولی⁷

این سیاست ها تعیین نرخ بهره و میزان چاپ اسکناس را در بر می گیرد.

□ سیاست های ارزی⁸

وظیفه این نوع سیاست ها تثبیت نرخ ارز نسبت به واحد پول ملی است.

⁶ Fiscal policy

⁷ Monetary policy

⁸ Exchange rate policy

□ کنترل سرمایه^۹

این سیاست ها بر کنترل جابجایی سرمایه ها به داخل و خارج از کشور نظر دارد.

اقتصاددانان عملاً چه می کنند؟

تصویری که از واژه «اقتصاددان» در اذهان عامه مردم تداعی می شود همان شخصی است که معمولاً در برنامه های تلویزیونی در مورد اقتصاد سخن می گوید و در مورد وضعیت فعلی اقتصاد و احتمالاً پیش بینی آینده آن، به ویژه در مورد نرخ بیکاری و میزان رشد، نظر می دهد. اگر چه دولت ها تعدادی از نخبگان اقتصاد کلان را به خدمت می گیرند، اما اکثر اقتصاددانانی که در دستگاه های دولتی به کار مشغول اند از متخصصان اقتصاد خرد اند. می توان گفت که تقریباً تمامی ادارات اصلی دولت برای تحلیل گزینه های مختلف در سیاستگذاری و تدوین سیاست ها، این دسته از صاحب نظران را به خدمت می گیرند.

تحلیل سیاست گذاری های اقتصادی: معرفی

در چند دهه اخیر، تحلیل سیاستگذاری های اقتصادی اساساً بر پایه اقتصادی تخیلی صورت گرفته است. بازاری که اقتصاددانان صاحب نفوذ برای ارائه نظرات کارشناسی خود در نظر می گیرند بازاری است که مفروضات آن با واقعیت انطباق ندارد. این مفروضات بی اساس شامل موارد زیر است:

- اقتصاددانان فرض می گیرند که در بازارها، حقوق مالکیت روشن و خالی از ابهامی بر جمیع خدمات و کالاها حاکم است. این حقوق مالکیت و حفاظت از آنها، حتی آب و هوا و ضایعاتی که از فرآیند تولید و مصرف کالاها به جا می ماند را نیز در بر می گیرد.
- ایشان همچنین فرض می گیرند که مصرف کنندگان در عدد نامحدود و در تفکر منطقی اند و در چند سلیقه خاص با هم مشترک اند. به طور مثال، آنها جملگی داشتن چیزهای بیشتر را برداشتن چیزهای کمتر ترجیح می دهند و همگی تنوع طلب اند و از داشتن چیزهای مشابه و یکسان گریزانند.

^۹ Capital controls

• فرض بی اساس دیگر این اقتصاددانان در مورد بازارها این است که تولیدکنندگان را تعداد بی شماری از بنگاه های تولیدی کوچک تشکیل می دهند. هیچ یک از این بنگاه ها قدرت لازم برای تعیین قیمت بازار را ندارد. از سوی دیگر، تمامی این تولیدکنندگان و مصرف کنندگان از وضعیت بازار آگاهی کامل و بی نقص دارند و در میان آنها هیچگونه عدم قطعیت در مورد آینده وجود ندارد.

نظریه بازار آزاد

اقتصاددانان غالباً ادعا می کنند که به کمک علم ریاضی ثابت کرده اند که در این اقتصاد ساده شده، بهینه ترین راه تامین نیازمندی های مردم این است که از طریق تجارت در بازاری آزاد اقدام شود. یعنی اینکه اجازه داده شود که داد و ستد تجاری در جمیع سطوح بدون مداخله دولت صورت گیرد. بر اساس این نظریه مطرح نیست که ثروت جامعه در ابتدای کار به چه صورت توزیع شده باشد.

www.eabbassi.ir

در این اقتصاد تخیلی، دولت نباید در امور اقتصادی دخالت کند چون هرگونه دخالت دولت موجب نفع رساندن به یک قشر و زیان رساندن به اقشار دیگر است. دخالت دولت کار عالی و بی نقص بازار را ضایع می کند و لذا مطلوب نیست. به نقل از اقتصاددانان، «دست نامرئی بازار»¹⁰ خود بخود هر گونه نارسایی را اصلاح و «نتیجه بهینه»¹¹، یعنی بهترین توزیع کالاها و خدمات را در سراسر اقتصاد برقرار می سازد.

بر اساس این مدل تخیلی و غیر واقعی از اقتصاد، بسیاری از نظریه پردازان این رشته چنین استنباط می کنند که بازارها، اگر شرایط مساعد وجود داشته باشد، کارآمدترین ساز و کار برای تولید، توزیع و مصرف کالاها در جامعه است و نیازی به دولت برای برنامه ریزی مرکزی به منظور تعیین اینکه چه کالاهایی و چگونه تولید شود نیست. وقتی طرفداران بازار آزاد (غالباً ثروتمندان و آنهایی که از تجارت سود می برند) در مورد «فقدان بازار کارآمد» و یا دخالت های

¹⁰ invisible hand of the market

¹¹ efficient outcome

ناکارآمد دولت در اقتصاد دهان به انتقاد می‌گشایند، نظرشان حفظ این بازار آزاد است که اساساً وجود خارجی ندارد.

نقش دولت در تحولات اقتصادی

اگر چه اقتصاددانان خرد جمیعا در باور به اهمیت بازار در ساماندهی به امر تولید مشترک اند، اما ایشان قایل به دو نقش ویژه برای دولت‌ها هستند:

• توزیع مجدد ثروت^{۱۲}

حتی اگر مفروضات اقتصاد خیالی اقتصاددانان، یعنی همان خصوصیات بازار آزاد که در بالا برشمردیم، در عالم واقعیت وجود داشت، در چنین شرایطی احتمالاً توزیع ثروت در جامعه یا در طی زمان دچار نواقصی می‌شد. از این رو، یکی از نقش‌های کلیدی دولت توزیع مجدد ثروت جامعه از طریق اخذ مالیات، و پرداخت کمک‌های نقدی و غیر نقدی به اقشار نیازمند جامعه است.

www.eabbassi.ir

اقتصاددانان خرد در دستگاه‌های دولتی معمولاً بخشی از وقت خود را صرف تحلیل تاثیر تغییرات مالیاتی و پرداخت کمک‌های نقدی و غیر نقدی بر انگیزه افراد و اصناف برای گرفتن کار و یا آغاز مشاغل جدید و نیز توزیع کلی ثروت و درآمد در سراسر جامعه می‌کنند. ایشان همچنین تاثیر این گونه دخالت‌ها را بر توزیع ثروت و درآمد در درازمدت، در نسل حاضر و آینده، مورد مطالعه قرار می‌دهند.

• چاره‌جویی در مسایل و بحران‌های اقتصادی

نقش دیگری که برای دولت‌ها در نظر گرفته شده است چاره‌جویی برای حل مسایل و بحران‌های اقتصادی است. مسایل و بحران‌های اقتصادی وقتی رخ می‌دهد که بازارها بدون مداخله دولت عمل می‌کنند اما بعد از مدتی نتایجی به دست می‌آید که بهینه و مطلوب نیست. در این مواقع اقتصاددانان خرد معتقدند که مداخله فوری دولت الزامی است.

¹² Redistribution

معمولا برای ریشه یابی مسایل و بحران های اقتصادی، اقتصاددانان جنبه های مختلف اقتصاد واقعی را با آنچه که در مدل ساختگی و خیالی خود فرض قرار داده اند تطبیق می دهند. مثلا می گویند بازار در عملکرد خود دچار مشکل یا بحران شده است چون:

- خسارات ناشی از «هزینه های خارجی»^{۱۳}، یعنی همان آلودگی های زیست محیطی، که برای آنها در اقتصاد واقعی ارزش پولی در نظر گرفته نمی شود، کاملا نادیده گرفته شده است.
- برخی از بازیگران اقتصادی فاقد اطلاعات لازم برای اتخاذ تصمیمات حساب شده در هنگام انتخاب گزینه های تجاری بوده اند،
- عدم تعادل قدرت در بازار به واسطه بروز مونوپولی در مورد محصولی خاص به وجود آمده است، یا
- به علل اجتماعی یا روانی مختلف، مصرف کنندگان طوری عمل کرده اند که از منظر اقتصاددانان غیر منطقی به نظر می رسد و لذا مانع کارکرد مناسب بازار شده است.

پس از تحلیل وضعیت موجود مبنی بر این دلایل، اقتصاددانان خرد در راستای انتخاب مداخله مناسب دولت، از جمله اخذ مالیات های جدید، وضع مقررات نو، پرداخت یا قطع پرداخت یارانه ها، و سخت گیری در اجرای حقوق مالکیت نظر می دهند.

بررسی و انتخاب گزینه ها

وقتی دولت ها گزینه های مختلف خود را روی میز می گذارند، اقتصاددانان وارد گود می شوند تا پیامدهای مالی هر گزینه را محاسبه کنند. به طور کلی فرآیند تصمیم گیری و اجرای اقدامات دولت در اموری که می تواند تاثیری بر اقتصاد کشور داشته باشد را می توان به مراحل زیر تقسیم کرد:

(۱) تبیین هدف کلی دخالت دولت

¹³ Externalities این لغت برای اشاره به هزینه هایی که به کار برده می شود که معمولا در قیمت گذاری کالاها و خدمات جایی ندارند. مثلا اینکه چه مقدار مواد آلاینده در طی فرآیند تولید و مصرف یک اتومبیل وارد هوا و یا آب یک کشور می شود در تعیین قیمت خودرو بی تاثیر است. این در حالی است که پاکیزه سازی هوا و آب از این آلاینده ها و نیز درمان شهروندانی که به موجب این آلودگی ها نیازمند به خدمات درمانی خواهند شد مستلزم هزینه کرد مبالغ قابل توجهی است. مترجم

الف) اعمال سیاست های حمایتی به منظور توزیع مجدد ثروت

ب) حل مشکلی خاص یا رویارویی با یک بحران

۲) تبیین اهداف مشخص دولت از دخالت در بازار

۳) ارزیابی گزینه ها

۴) رصد پیامدها

۵) ارزشیابی نتایج اجرای طرح

۶) بازخورد

در مراحل چون ارزیابی (۳) و ارزشیابی نتایج اجرای طرح دخالت دولت (۵) اقتصاددانان نقشی فعال دارند. ارزیابی گزینه ها شامل دو بخش است: در بخش اول اقتصاددانان بررسی می کنند که اجرای هر یک از گزینه ها تا چه حد و تا چه مدتی وضعیت فعلی را تغییر می دهد. این بخش اساساً یک سری مطالعات انتزاعی را در بر می گیرد که با اجرای روش های مختلفی چون مدل سازی، مطالعه جداول تقاضا^{۱۴} و پیش بینی های اقتصادی^{۱۵} و نیز مقایسه داده های اقتصادی موجود در تغییرات مشابه در گذشته و در کشورهای دیگر، همراه است.

www.eabbassi.ir

در بخش دوم ارزیابی گزینه ها، یعنی تحلیل اقتصادی سیاستگذاری ها، اقتصاددانان از روش «تحلیل هزینه و فایده» استفاده می کنند. به طور خلاصه، این نوع بررسی، تمام هزینه ها و فواید دخالت دولت در بازار و مقایسه آنها را در بر می گیرد. قاعدتاً این نوع بررسی نه تنها هزینه ها و فواید در خصوص بازار بلکه هزینه و فواید در ارتباط با پیامدهای اجتماعی و زیست محیطی را نیز باید شامل شود. اما واقعیت این است که این نوع تحلیل هزینه و فایده اساساً به نوع خاصی از آن محدود می شود که به آن «سنجش پیامدهای مقررات»^{۱۶} می گویند. این نوع مطالعه هدف خود را «بهبود» کیفیت مقررات و «کاهش بار غیر ضروری بر شانه های بنگاه ها» می داند.

مرحله «ارزیابی» قبل از انتخاب نهایی سیاستگذاری ها انجام می شود. اما مرحله «ارزشیابی»، یعنی مطالعه دیگری که در آن اقتصاددانان عامل و فعال اند، پس از اجرای سیاست های جدید صورت می گیرد. برای سنجش و برآورد نتیجه کار، اقتصاددانان از روش هایی موسوم به

¹⁴ demand schedules

¹⁵ Economic forecasting

¹⁶ Regulatory Impact Assessment / RIA

رگرسیون^{۱۷}، تفاضل تفاوت^{۱۸} و متغیرهای ابزاری^{۱۹} بهره می‌برند. صرفنظر از روش انتخابی، انجام این چنین مطالعات خالی از ایراد نیست. آنچه مسلم است، تغییر در اقتصاد یک کشور به علت مجموعه پیچیده‌ای از عوامل صورت می‌گیرد، لذا تشخیص تاثیر یک سیاستگذاری بر روند موجود به طور دقیق، اگر کاری غیر ممکن نباشد، بی‌شک با ایرادهای انکارناپذیری توأم است.

اتکا به رویکرد اقتصادی در سیاستگذاری‌ها: آسیب شناسی

همانطور که در بخش پیش توصیف شد، اقتصاددانان در چند مرحله از تصمیم‌گیری برای اتخاذ سیاستگذاری‌های جدید نقش فعالی بازی می‌کنند. بی‌شک تاثیر آنها بیش از هر چیز در مرحله ارزیابی اعمال می‌شود. اما تلاش آنها در لوای تحلیل اقتصادی هزینه و فایده که به ظاهر امری منطقی به نظر می‌رسد در عمل با پیچیدگی‌های بسیاری روبروست که نتایج آن را عملاً بی‌معنی و بیهوده می‌سازد. از این جمله، مسایل زیر را می‌توان برشمرد:

۱. مسایل مرتبط با هزینه‌ها

در بریتانیا، اگر چه خزانه داری حکم کرده است که مطالعات هزینه و فایده باید حتما پیامدهای اجتماعی و زیست محیطی را نیز در برگیرد، بسیاری از این مطالعات در عمل از عهده چنین کاری برنمی‌آیند. حتی وقتی که اقتصاددانان خود را به انجام چنین کاری متعهد می‌دانند، تبدیل خسارات وارد شده به محیط زیست یا منابع طبیعی به راحتی قابل محاسبه به واحد پول نیست.

۲. بی‌توجهی به عدالت اجتماعی

اگر چه کتاب راهنمای ارزیابی اقتصادی سیاستگذاری دولت در حوزه اقتصاد (موسوم به «کتاب سبز»^{۲۰}) حکم می‌کند که «هر گونه هزینه و فایده که متوجه جمیع اقشار مردم است می‌باید در نظر گرفته شود»، اما این قاعده به ندرت در تحلیل‌های هزینه و فایده رعایت می‌شود. و اگر هم بشود، معمولاً در زمان تصمیم‌گیری نهایی به آن توجه نمی‌گردد.

¹⁷ Regression

¹⁸ Difference in difference

¹⁹ Instrumental variables

²⁰ The Green Book

۳. بالا گرفتن هزینه اجرای مقررات

معمولا هزینه های مرتبط با وضع مقررات جدید بالا تخمین زده می شود. این تخمین بالاتر از حد الزاما نتیجه خطای انسانی نیست، بلکه نتیجه لایبگری تحلیله گرانی است که می کوشند از منافع خود، به لحاظ ارتباطی که با صنایع خاصی دارند، دفاع کنند. فرآیند ارزیابی و ارائه نتایج آن پیش از تصمیم گیری مسئولین، یک بحث باز و عمومی نیست که مردم بتوانند در آن از منافع خود دفاع کنند.[۱]

۴. ریسک و عدم قطعیت

ضعف تحلیل های هزینه و فایده که توسط اقتصاددانان انجام می شود وقتی آشکار می گردد که اتخاذ و اجرای سیاستگذاری ها میزان بالایی از ریسک و عدم قطعیت را در بر داشته باشد. اندیشمندانی چون «والاوانیس» [۲] نشان داده اند که چگونه در این موارد اقتصاددانان برای حفظ حیثیت حرفه ای خود به جزییاتی می پردازند که به ظاهر دقیق نماست اما در واقع کار مفیدی در راستای رفع عدم قطعیت انجام نمی دهد. این عدم کارآیی بیش از هر چیز نشان داده است که رویکرد صرفا اقتصادی که اساسا با اتکا بر ارقام و آمار اقتصادی انجام می شود قادر به توجه کافی به وضعیتی بحرانی در خصوص برخی از مسایل زیست محیطی (که به «نقطه واژگونی»^{۲۱} رسیده است) نیست.

۵. بی طرفی تحلیل ها؟!

ارقام معمولا چنین وانمود می کنند که بی طرف اند و واقعیت ها را منعکس می کنند. اما در واقع مدل هایی که از آنها در تحلیل های هزینه و فایده استفاده می شود بر اساس مفروضات و تصمیماتی است که ریشه در خواست و ترجیحات افراد دارد. مثلا در سطح فردی یا خانوادگی نشان داده شده است که انسان ها ترجیح می دهند که فایده هر فعالیتی زودتر (و نه دیرتر) نصیبشان شود. یعنی اگر کسی هزینه ای متقبل می شود، می پسندد که فایده آن امروز یا فردا نصیبش شود تا سه ماه یا سه سال بعد.

²¹ Tipping point به تعبیری، این اصطلاح را می توان به فارسی «نقطه غیر قابل بازگشت» ترجمه کرد. مثلا اگر به لحاظ ذوب شدن یخ های قطبی تغییری کلی در اکوسیستم روی دهد، این تغییرات در مقیاسی است که با اقدامات جبرانی که انسان ها قادر به انجام آن اند به وضعیت اولیه باز نخواهد گشت. رشته اقتصاد در پیش بینی رخداد اینگونه پدیده های طبیعی هیچگونه کارآیی نداشته است. مترجم

همین تمایل فردی، از سوی تحلیلگران، به مطالعات هزینه و فایده تسری پیدا می کند، در صورتی که در مورد دخالت های اقتصادی دولت در بازار که در بسیاری از موارد، فوایدی اجتماعی و زیست محیطی در میان مدت و دراز مدت خواهد داشت، این دیدگاه کوتاه مدت فردی سودمند نیست. این دیدگاه معمولاً موجب کم شمردن ارزش فایده ها در درازمدت و بالا شمردن هزینه ها در کوتاه مدت می شود. این پدیده موجب می گردد که تحلیلگری که قرار است بی طرفانه به مقایسه هزینه ها و فایده ها بپردازد، اساساً میل به سیاست هایی پیدا کند که زودبازده باشد حتی اگر بازده در کوتاه مدت از همان نوعی نباشد که واقعا به آن نیاز است.

۶. فقدان مردم سالاری

سیاستگذاری های اقتصادی معمولاً بخش عظیمی از جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. اما نظر دهی در مورد چگونگی انجام اینگونه تحلیل ها فقط به تعداد انگشت شماری از افراد که مستقیماً درگیر انجام آن اند و یا انجام آن را درخواست کرده اند محدود می شود. در زیر با ذکر جزئیاتی به تشریح این مسئله می پردازیم:

www.eabbassi.ir

واقعیت استفاده از دانش اقتصاد در سیاستگذاری ها

به ندرت از دانش اقتصاد به گونه ای استفاده می شود که در دستور العمل های خزانه داری بریتانیا قید شده است. و این به خاطر این است که به دلایل مختلف، مثل ضرورت تعجیل در اقدام دولت و یا فشار اعتراضات مردمی به برخی سیاستگذاری ها، نمی توان سیاستگذاری اقتصادی را از سیاست جدا کرد.

در دیگر موارد دیده شده است که مطالعات هزینه و فایده اساساً به منظور توجیه اجرای سیاست هایی است که از قبل در مورد آنها تصمیم گیری شده است. یک سیاستمدار یا لابی قدرتمند معمولاً چنین مطالعاتی را کلید می زند تا تدوین، تصویب و اجرای مقررات جدید که به نحوی منافع او را بهتر تامین می کند را تسهیل کند.

حتی در مواردی که تصمیمات از قبل گرفته نشده باشد، تمایل تحلیلگران معمولاً به سوی تأمین منافع دسته‌ای از ذینفعان است که دارای قدرت سیاسی بیشتر در محافل تصمیم‌گیری و سیاستگذاری اند. در جلسات مشورتی تحلیلگران، معمولاً به گروه‌های مردمی اجازه حضور داده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به جزئیاتی که در بالا در مورد تئوری و کاربرد رشته اقتصاد در جامعه امروز آمد، شاهدیم که مسایلی بسیار جدی‌گریبانگیر رویکرد صرفاً اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های کلان ملی است. این محدودیت رویکرد صرفاً اقتصادی، که معمولاً با بکارگیری زبان تخصصی تحلیلگران برای مردم عادی نامفهوم‌تر نیز می‌شود، راه را بر گفتگو و تبادل نظر در مورد سیاستگذاری‌های گسترده‌تر که شایسته نظام‌های مردم‌سالار است می‌بندد و لذا اقتصاددانان قادر نخواهند بود که جامعه را به سمت و سوی که منافع کل جامعه را لحاظ قرار می‌دهد هدایت کنند.

www.eabbassi.ir

منابع:

1. Ackerman, F. 2008. *Critique of Cost-Benefit Analysis, and Alternative Approaches to Decision-Making- A report to Friends of the Earth England, Wales and North Ireland.* (accessed November 3, 2014)
www.foe.co.uk/sites/default/files/downloads/policy_appraisal.pdf
2. Valavanis, S. 1959. *Econometrics*. New York: McGraw-Hill cited in Kennedy, P. 2003. *A Guide to Econometrics*. Blackwell Publishing.